فهرست مطالب

[اشاره 1](#_Toc465268743)

[موجبه معدولة المحمول 1](#_Toc465268744)

[نظر آقا ضیاء در مورد قید وارده بر عام 2](#_Toc465268745)

[رد قول آقا ضیاء 2](#_Toc465268746)

[قید ارتکازی و اجمالی وارده بر عام 3](#_Toc465268747)

[اهمال گویی در عالم ثبوت و اثبات 3](#_Toc465268748)

[اقسام قیود وارده بر عام 4](#_Toc465268749)

[قید ترکیبی و قید سلب تحصیلی 4](#_Toc465268750)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص/استصحاب عدم ازلی

# اشاره

سه نظر در مورد استصحاب عدم ازلی از سه عَلَم نقل کردیم که همه نفی استصحاب عدم ازلی بود، نظرات عبارت‌اند از:

1ـ مرحوم نائینی که فرمودند؛ اکرم العلماء الّا الفساق؛ تبدیل می‌شود به؛ اکرم العالم غیر الفاسق که موجبه معدولة المحمول است.

2ـ مرحوم امام فرمودند که؛ اکرم العالم الّا الفاسق تبدیل به؛ اکرم العالم لیس بفاسق که موجبه سالبة المحمول است.

# موجبه معدولة المحمول

هرگاه عامی هست و مخصص خواه متصل و منفصل بر آن وارد شد؛ روح عام مبدل به یک قضیه‌ای به نحو معدولة المحمول یا سالبة المحمول شده و قید به عام می‌خورد، مرحوم نائینی می‌فرمایند که قیدش به نحو موجبه معدولة المحمول است؛ یعنی مفهوم مفرد عدم ملکه‌ای به خود می‌گیرد، مثل لا فاسق که قید پنهان عالم است، این قید پنهان را با این مخصص می‌فهمیم که وجود دارد.

بنابر نظریه اول و دوم؛ استصحاب عدم ازلی خاصیتی ندارد؛ برای اینکه در مثل مثال؛ «لیست بقریشیة» نیز موجبه است و نیاز به موضوع دارد، آنی که قبل از وجود او در ازل بوده؛ سلب تحصیلی بوده است.

## نظر آقا ضیاء در مورد قید وارده بر عام

3ـ نظر سوم نظر آقا ضیاء بود که در تحلیل «اکرم العالم الّا الفاسق» می‌فرمایند: العالم در اینجا قیدی ندارد؛ حتی قید سلب تحصیلی هم ندارد و منظور از «الّا الفاسق» مثل مرگ عده‌ای است که در این صورت استصحاب عدم ازلی در این فرمایش آقا ضیاء هم جاری نمی‌شود.

اصل سؤال این است که؛ عام آنگاه‌که تخصیصی به او وارد شد؛ آیا این عام قیدی می‌پذیرد یا نه؟ اگر قید می‌پذیرد چه قیدی می‌خورد؟ این مطلب در استصحاب و در خیلی از موارد دیگر نقش دارد.

به‌بیان‌دیگر: عام زمانی که تخصیص خورد؛ خود عنوان و مفهوم عام آیا به‌صورت پنهانی و ارتکازی قید می‌خورد یا نه و شکلی که در لسان دلیل هست؛ به همین صورت است؟ اگر هم قید می‌خورد به چه صورت قید می‌خورد؟

در پاسخ به سؤال اول؛ آقا ضیاء می‌گوید که قید نمی‌خورد؛ اما بقیه می‌گویند یک قید پنهانی در اینجا وجود دارد و در پاسخ به سؤال دوم؛ دو یا سه احتمال دارد که مرحوم نائینی، حضرت امام و بعضی دیگر و ما هم آن را قبول داریم بیان می‌کنیم، تحقیق این سه قول به بررسی دو سؤال برمی‌گردد.

## رد قول آقا ضیاء

مقام اول پاسخ سؤال اول که از آقا ضیاء نقل کردیم می‌باشد، سؤال اول این است که؛ اکرم العالم الّا الفاسق؛ شکل ظاهری‌اش همین است و قیدی نخورده است یا اینکه «الّا الفاسق» درواقع یک قیدی به عالم می‌دهد و عالم را محدود می‌کند؟ مرحوم آقا ضیاء فرمودند که «الّا الفاسق» مثل مرگ و مردن است.

## قید ارتکازی و اجمالی وارده بر عام

اولاً: در مرگ هم حتماً یک قیدی وجود دارد؛ اما قید خیلی مصرّح نیست؛ بلکه قید ارتکازی و اجمالی است، زمانی که گفته می‌شود: «اطعم العالم» انصراف پیدا می‌کند به عالمی که؛ قابلیت اطعام داشته باشد، مقصود عالم در عالم ثبوت؛ عالم حیّ است، مثل شرایط عامه تکلیف بنابر نظر کسانی که؛ شرایط را درخود خطاب اخذ می‌کنند و ما هم نظرمان همین است، از شرایط عامه تکلیف این است که قدرت داشته باشد، چون این قید واضح است؛ دیگر جایی برای گفتن نیست.

## اهمال گویی در عالم ثبوت و اثبات

ثانیاً: اهمال در عالم ثبوت معقول نیست، عالم در عالم ثبوت یا مقید به حیات است یا مقید به حیات نیست، زمانی که گفته می‌شود:«اکرم العالم الّا الفاسق»؛ عالمی که اکرام به آن تعلق‌گرفته است در خطاب حکیم نمی‌تواند مهمل باشد.

در قضیه اثبات امکان دارد که یک قضیه مهمله بیاید، اما در عالم ثبوت و واقع از ناحیه فرد حکیم؛ این عالم نمی‌تواند نسبت به فاسق و عادل مهمل باشد، اکرم العالم؛ نسبت به فاسق شامل است یا شامل نیست؛ وقتی‌که شامل نبود؛ حتماً یک قیدی خورده است که شامل او نمی‌شود.

سه احتمال در اهمال گویی وجود دارد که عبارت است از:

1- اهمال قضیه نسبت به قیود از ناحیه کسی که ملتفت نیست؛ حتی در عالم ثبوت هم امکان دارد.

2- اگر هم اهمال از ناحیه ملتفت باشد؛ فقط در عالم اثبات است، درواقع می‌داند که چه می‌خواهد؛ اما در ظاهر مهمله بیان می‌کند.

3- اگر دو حالت قبل نبود و حالت سوم بود و اینکه؛ شخص حکیم و ملتفت به اقسام و تقسیمات عناوین و در عالم ثبوت؛ نمی‌شود مهمل باشد، اما در عالم اثبات وقتی‌که قید را بیان کرد؛ عقل می‌گوید که؛ فاسق را در «اکرم العالم الّا الفاسق» نمی‌گیرد و مقابل این را در برمی‌گیرد.

اگر در عالم اثبات یک‌چیز معینی را کنار گذاشت؛ با توجه به اینکه قید دیگری هم نیست و مقدمات حکمت و عموم در بقیه غیر این دامنه تمام است؛ باید حتماً این عام قیدی بگیرد و محدود بشود.

با این مقام نظر سوم که نظر آقا ضیاء است؛ کنار می‌رود.

### اقسام قیود وارده بر عام

مقام دوم این است که ما پذیرفتیم یک قیدی به عام می‌زند و در آن قید سه احتمال وجود دارد:

1- نائینی می‌گوید: قید یک مفهوم ترکیبی عدم ملکه به نام موجبه معدولة المحمول است، مثل «اکرم العالم غیر الفاسق»

2- حضرت امام می‌فرمایند: قید سلب محمولی؛ سالبه‌ای که یک نوع مفهوم موجودی در آن شده است، مثل «اکرم العالم لیس بفاسق»

3- بعضی گفته‌اند و ما هم آن را ترجیح می‌دهیم؛ این است که؛ یک‌چیزی چسبیده به عالم است؛ اما این شیئ قید نیست؛ بلکه یک حالت ترکیبی است و سلب هم سلب تحصیلی است، موضوع اکرام این است که؛ عالم باشد و لیس بفاسق در کنار او باشد؛ اما حالت تقیید نیست؛ بلکه حالت ترکیب دو عنوان است. عالم و لیس بفاسق که قیود ترکیبی بوده و تقیید در کار نیست.

### قید ترکیبی و قید سلب تحصیلی

ترکیب به این صورت که؛ اکرام کن کسی که عالم است و عادل است، این جمله به دو صورت ذکر می‌شود:

1- عالمی که مقید به عدالت است را اکرام بکن؛ عدالتی که در فرض علم باشد، اما جایی که عالم نبود؛ بعد عالم شد؛ در اینجا استصحاب فایده ندارد؛ بلکه باید سابقه داشته باشد؛ زیرا در اینجا تقییدی است و باید عالم سابقه داشته باشد.

2- عالم هست و لیس بفاسق که سلب تحصیلی می‌باشد، اگر به این صورت باشد؛ استصحاب عدم ازلی جاری می‌شود، برای اینکه لیس بفاسق را در اینجا قید قرار ندادیم که لا فاسق یا لیس بفاسق؛ موجبه سالبة المحمول بشود؛ بلکه لیس بفاسق؛ سالبه محصله است و هر کدام از عالم و لیس به فاسق خودش به صورت جدا مطرح است هر چند در صورت مجموعی موضوع حکم ما است ولی هر کدام جداگانه بوده و قیود یکدیگر نیستند.

آنی که قطعی قبول داریم این است که؛ قیدی در کنار عالم است، اما آن قید پررنگ‌ترین حالتش؛ حالت موجبه معدولة المحمول است که مرحوم نائینی فرمودند؛ قید خفیف‌ترش سالبة المحمول نظر مرحوم امام است، اما اخف از همه این‌ها؛ لیس بفاسق ترکیبی در کنار عالم است و قید آن نیست.

اینجا دلیل نداریم؛ قرینه عقلیه می‌گوید که یک‌چیزی در آنجا باید باشد، بنا نیست که حداکثری بگیریم؛ بلکه می‌توانیم حداقلی بگیریم که ترکیبی است.